

ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران:

از دفاع مقدس تا محور مقاومت

کیانوش کیاکجوری^۱، الماس اسلامی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

چکیده:

ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی محوری‌ترین بخش دیپلماسی کشورها است. منافع مشترک، تهدید مشترک و ارزش‌های مشترک زمینه‌ساز ائتلاف‌ها هستند. جمهوری اسلامی با آگاهی از تهدیدها، به ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی در دوران دفاع مقدس و محور مقاومت روی آورده است. هدف اصلی درک مؤلفه‌های ائتلاف ساز برپایه شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیکی برای مقابله با اقتدار قدرت‌های بزرگ است. اهمیت موضوع مورد بررسی به درک جدید از توان جمهوری اسلامی برای ائتلاف‌سازی و ثمرات آن اشاره دارد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس و شکل‌گیری محور مقاومت چگونه بوده است؟ فرضیه مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران با درک منبع تهدیدها به ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی مبادرت نموده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی در دوران دفاع مقدس از طریق ائتلاف با جنبش‌های آزادی‌بخش و کشورهای جهان سوم و با شکل‌گیری محور مقاومت از طریق ائتلاف‌سازی با کشورهای عراق، سوریه و بازیگران غیردولتی توانسته است به گسترش قدرت منطقه‌ای خود مبادرت ورزد.

واژگان اصلی: جمهوری اسلامی ایران، ائتلاف‌سازی، سیاست خارجی دفاع مقدس، محور مقاومت.

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)، الگویی از رویکرد انقلابی نسبت به وضعیت موجود ارائه داد که مهم‌ترین رکن آن حق تعیین سرنوشت سیاسی مردم غرب آسیا بوده است. در دوران دفاع مقدس، گفتمان ائتلاف‌محور مبتنی بر نشانه‌هایی از مقاومت‌گرایی بود. همان‌گونه که فوکو از اصطلاح «سلطه» برای نمایش قدرت استفاده نمود، در ادبیات سیاسی و بین‌المللی ایران نیز واژه‌هایی همانند استکبار جهانی تولید گردید. در این شرایط، هرگونه مقاومت و ستیزه باید در مقابله با گفتمان مسلط قرار گیرد. از این رو، ایدئولوژی انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی سیاست خارجی ایران زمینه مقابله با فضای گفتمانی مسلط ناشی از کنش قدرت‌های بزرگ را فراهم نمود. تأثیر این قضیه در سال‌های بعد، حمایت از جنبش‌ها و حرکت‌های ضداستبدادی و ضددیکتاتوری در غرب آسیا به‌ویژه در حمایت از مسئله بیداری اسلامی بوده است. همین امر نه تنها سبب توسعه گفتمان و ارزش‌های انقلاب اسلامی فراسوی مرزهای ایران شده، بلکه دستاوردهای مهمی برای انقلاب اسلامی به همراه داشته است که برجسته‌ترین آن‌ها توسعه محور مقاومت و برهم زدن موازنه بین‌المللی بوده است. نظام سیاسی ایران با ویژگی منحصربه‌فرد خود از ظرفیت تأثیرگذاری بر محیط پیرامون برخوردار بوده که می‌توان آن‌ها را سه محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی ملاحظه کرد:

محیط داخلی: از جمله تأثیرات در سطح محیط داخلی، عبارت است از برقراری وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور که نواندیشی دینی را تشویق نموده، جنبش نرم‌افزاری با ویژگی‌های جرات علمی، نفی تقلیدپذیری، رعایت ارزش‌های دینی.

محیط منطقه‌ای: این تأثیرات در سطح منطقه‌ای یعنی منطقه شیعه‌نشین و اسلامی عبارتند از: بازسازی تمدن اسلامی و ارتقای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان؛ ارتقای بیداری اسلامی و تأکید بر وحدت جهان اسلام. این امر موجب ایستادگی آنان در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی شد. احیای هویت جهان اسلام با شاخص‌هایی همچون حمایت از مستضعفان، حق‌گرایی، نفی گرایش‌های غرب؛ محوریت ایران در ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم با اعلام روز جهانی قدس از سوی امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

محیط بین‌المللی: این تأثیرات در سطح بین‌المللی عبارتند از: به چالش کشیدن سلطه فرهنگی غرب از طریق تفکرات رهایی‌بخش و استکبارستیز، اعطای خودباوری به ملت‌ها و معرفی اسلام

به‌عنوان یک شیوه زندگی؛ گشایش جبهه ثالث در نظام بین‌الملل از طریق حمایت از حرکت‌های استقلال‌طلبانه و تشویق ملت‌ها به معنویت؛ پرچم‌داری انقلاب فرهنگی جهانی با شاخص‌هایی همچون: تأکید بر معنویت، وحدت اسلام، فرهنگ استقلالی (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۱۲).

منظور از ائتلاف، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهم‌ترین راهبردهای حوزه سیاست خارجی است و بر این مبنا قرار دارد که دولت‌ها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می‌نمایند. یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران، با توجه به شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل در منطقه غرب آسیا، ائتلاف‌سازی در دوران دفاع مقدس و شکل‌گیری محور مقاومت بوده در سال‌های اخیر بوده که فرصت و ظرفیت زیادی را در اختیار ایران قرار داده است. تحولات شکل‌گرفته در غرب آسیا، تغییر نقش و عملکرد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ائتلاف‌های پنهان و آشکار شکل‌گرفته در منطقه، دگرگونی در ماهیت تهدیدها از یکسو و توان و ظرفیت جمهوری اسلامی ایران برای شناخت تهدیدها و مقابله با آنها از سوی دیگر، اهمیت بررسی این موضوع را نشان می‌دهد. عدم بررسی این موضوع مهم، سبب مغفول ماندن از جریان‌ها و فرآیندهایی می‌شود که می‌تواند آثار زیانباری برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته باشد. از این رو، هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دفاع مقدس تا محور مقاومت است؛ بنابراین مسئله اصلی روشن نبودن مؤلفه‌های ائتلاف‌ساز هویتی و ایدئولوژیکی برای مقابله با اقتدار قدرت‌های بزرگ و ظرفیت و توان ایران برای ایجاد این ائتلاف و بهره‌گیری از آن است. از این رو، پرسش اساسی مقاله حاضر این است که ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس و محور مقاومت چگونه بوده است؟

۱- پیشینه تحقیق

۱-۱- مسعود همیانی (۱۳۹۴) در مقاله «تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف» درصدد به‌کارگیری نظریه موازنه تهدید استنفان والت برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی عربستان سعودی بعد از قیام‌های عربی (۲۰۱۱) با تأکید بر بحران یمن برآمده است. هدف پژوهش حاضر، اثبات تغییر رویکرد در سیاست خارجی عربستان از استراتژی موازنه‌سازی به استراتژی رهبری ائتلاف در قالب نظریه موازنه تهدید است، لذا این سؤال مطرح می‌شود که محیط امنیتی غرب آسیا بعد از قیام‌های عربی ۲۰۱۱ چه تأثیری بر سیاست خارجی عربستان

داشته است؟ فرض مقاله حاضر این است که سیاست خارجی عربستان از عمل‌گرایی یعنی ایجاد موازنه به همراه قدرت‌های بین‌المللی علیه منبع تهدید به سوی سیاست خارجی مستقل‌تر و با تکیه بر توانایی‌های خود تغییر جهت داده است. روش تحقیق، کیفی و استقرایی است.

۲-۱- محسن مرادیان (۱۳۸۶) در مقاله «الگوی ائتلاف سازی منطقه‌ای ایران برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز» به این مسئله پرداخته است که موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئوکالچر ایران مزیت‌هایی برای آن ایجاد نموده است که با استفاده از آن‌ها می‌تواند در تأمین امنیت منطقه و کمک به استقرار صلح و ثبات بین‌المللی نقش ایفا کند. یافته‌های تحقیق نشان خواهند داد که از میان سه الگوی موردبررسی، الگوی همکاری با کشورهای عضو پیمان شانگهای بیشترین منافع را برای ایران داشته و مؤثرتر از دو الگوی دیگر اهداف چشم‌انداز را محقق خواهد نمود. پیشنهاد این مقاله گسترش همکاری با گروه شانگهای برای تحقق اهداف چشم‌انداز است.

۳-۱- «ائتلاف سازی در نظام بین‌الملل، معماری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» کتابی است که توسط شمس‌الدین صادقی (۱۳۹۶) تألیف شده است. این کتاب درصدد پاسخ به پرسش‌های زیر است: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، رو به سوی کجا می‌رود؟ محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ قانون اساسی جمهوری اسلامی چه افقی را برای سیاست خارجی، رصد نموده است؟ با عطف توجه به پرسش‌های یاد شده، مدعای تبیینی این پژوهش آن است که ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل، رفتار سیاسی کشور معترض به قواعد و هنجارهای این ساختار را برنمی‌تابد؛ همین امر موانعی را بر سر راه ائتلاف‌سازی سیاست خارجی ایران با قطب‌های قدرت نوظهور جهانی در شرق، شرق دور، حوزه آسیای مرکزی و قفقاز ایجاد کرده است.

۴-۱- سید شمس‌الدین صادقی و کامران لطفی (۱۳۹۴) در مقاله «سیاست نگاه به شرق و تحلیل امکان یا امتناع ائتلاف راهبردی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران و چین (۱۳۹۲-۱۳۸۸)» به این مسئله پرداخته‌اند که یکی از رویکردهای مطرح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، سیاست نگاه به شرق است. این رویکرد پس از گذشت یک دهه از قطع روابط دیپلماتیک ایران با ایالات متحده آمریکا و نیز تشدید تحریم‌های گسترده این کشور و نیز اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران در اولویت سیاست خارجی ایران قرار گرفت. پرسش اصلی این مقاله این است که جمهوری اسلامی ایران چه هدفی را در توسعه مناسبات راهبردی با چین دنبال می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش، این فرضیه به آزمون گذاشته شده است که «جمهوری اسلامی ایران به چین به‌عنوان یک جایگزین مناسب

در حوزه مناسبات اقتصادی می‌نگرد». روش تحقیق در این پژوهش، تحلیلی - توصیفی است و برای تبیین مسئله پژوهش از نظریه «چرخش قدرت و نقش»، بهره گرفته شده است.

۵-۱- محمد ستوده و علیرضا یاری (۱۳۹۹) در مقاله «تأثیر چالش‌های پیشرفت سیاسی بر جهت‌گیری ائتلاف و اتحاد در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این موضوع پرداخته‌اند که چالش‌های پیشرفت سیاسی در سطح عدم اجماع نسبی نخبگان و نهادینه نشدن احزاب سیاسی بر روند ائتلاف و اتحاد سازی در سیاست خارجی تأثیرگذار است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با بهره‌گیری از نظریه ساخت‌یابی نشان داده شد که چالش‌های پیشرفت سیاسی در داخل کشور نه تنها ائتلاف‌سازی را با مشکل مواجه می‌سازد، بلکه باعث از دست رفتن فرصت‌های بین‌المللی نیز می‌شود.

۶-۱- علی آدمی و الهام کشاورز مقدم (۱۳۹۴) در مقاله «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» به بررسی این مسئله پرداخته‌اند که ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران، امنیت ملی آن را به شدت تحت تأثیر محیط منطقه‌ای غرب آسیا قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی، شکل‌گیری ائتلافی از کشورهای سنی نشین حاشیه خلیج فارس به زعامت عربستان، به ناچار ایران را وادار به تقابل جویی در چارچوب محور مقاومت نمود. محوری که با روی کار آمدن دولت شیعی عراق، اقتداری مضاعف یافت. عملکرد امنیتی ایران در تحولات ناشی از بیداری اسلامی، حمایت از گروه‌های شیعی در یمن و بحرین و همچنین حضور فعالانه در عراق و سوریه را می‌توان تلاشی جهت حفظ و افزایش قدرت مجموعه امنیتی محور مقاومت و در واقع تأمین امنیت ملی ایران دانست.

۷-۱- سیدزکریا محمودی رجا، علی باقری دولت‌آبادی و بهنام راوش (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی» به این مسئله پرداخته‌اند که از زمانی که آمریکا موفق شد بر اردوگاه کمونیسم پیروز شود این بحث مجدد در محافل آکادمیک رونق گرفت که آینده نظام جدید که رهبری آن را آمریکا در دست دارد چه خواهد شد. مقاله پیش رو با استفاده از نظریه نظام جهانی والرشستاین و روش تحلیلی توصیفی به بررسی نقش محور مقاومت در مقابله با نظام سلطه و آینده این نظام می‌پردازد. فرضیه اصلی پژوهش حاضر این است که جبهه مقاومت با محوریت ایران و تکیه بر آرمان‌های اسلامی در منطقه توانسته مشروعیت نظام سلطه را به چالش کشیده و قدرت آن را به تحلیل ببرد.

۲- مبانی نظری

عدم تحقق موازنه علیه هژمونی ایالات متحده پس از جنگ سرد، یکی از متفکران واقع‌گرا، به نام «استفن والت»^۱ را به‌سوی جابه‌جایی (Shifting) نقطه تمرکز واقع‌گرایی از موازنه قدرت به موازنه تهدید^۲ سوق داد تا بدین‌سان به ادعای او، گره کور نواقح‌گرایی گشوده شود. او می‌گوید با این رهیافت می‌توان این مهم را توضیح داد که چرا موازنه و ائتلاف در مقطع کنونی نیز علیه ایالات متحده صورت نمی‌گیرد. بر پایه این نظریه دولت‌ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند. به باور «والت» عملکرد دولت‌ها به‌وسیله چندین عامل مشخص می‌شود: نخست، آن‌ها براساس تهدیداتی که برداشت می‌کنند عمل می‌کنند. دوم آنکه، قدرت دیگر بازیگران یک رکن در محاسبات آن‌ها محسوب می‌شود. قدرت دیگر دولت‌ها بسته به اینکه آن دولت در چه مکان جغرافیایی قرار گرفته باشد، توانایی انجام چه عملی را داشته باشد و یا چگونه از توانایی خود استفاده می‌کند، می‌تواند مایه دردسر یا یک امتیاز باشد (Walt, 1987: 21). بر همین مبنا «والت» نتیجه می‌گیرد که تهدیدات دولت‌ها نسبت به یکدیگر می‌تواند از چهار منبع نشأت بگیرد که عبارتند از: ۱. قدرت کل^۳، ۲. مجاورت جغرافیایی^۴، ۳. قدرت تهاجمی^۵ و ۴. نیت تهاجمی^۶.

بنابر نظریه «والت» هراندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولت‌ها برخوردار است. در اینجا منظور از منابع، جمعیت، قابلیت‌های نظامی و صنعتی و قدرت فناوری است. در چنین وضعیتی دولت‌هایی که دارای قدرت فراوان باشند ظرفیت آن را خواهند داشت که دشمنان خود را تنبیه کنند و به دوستان خود پاداش دهند (Walt, 1987: 22-23).

بر پایه نظریه موازنه تهدید، توانایی دولت‌ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می‌یابد در نتیجه دولت‌های نزدیک‌تر نسبت به دولت‌های دورتر تهدیدآمیزترند. اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها باهم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت‌ها در واکنش به قدرت‌های نزدیک، به‌جای واکنش به قدرت‌های دور دست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. در اینجا هم مانند عامل قدرت کل، مجاورت

1. Stephen Walt
2. Threat of Balance
3. Total power
4. Geographic Proximity
5. Offensive power
6. Aggressive intentions

جغرافیایی می‌تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولت‌ها شود (Walt, 1987: 23). بنابر باور استفن والت اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها باهم برابر باشد، احتمال زیادی وجود دارد که دولت‌های دارای قابلیت‌های تهاجمی بسیار به تشکیل اتحاد مبادرت ورزند. باید خاطر نشان ساخت گرچه قدرت تهاجمی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی در ارتباط است اما با آن‌ها یکسان نیست. در واقع قدرت تهاجمی دارای این قابلیت است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر را تهدید کند. تهدید فوری ناشی از این قابلیت‌های تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولت‌ها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر بدهد (Walt, 1987: 24).

در نهایت بنابر نظریه موازنه تهدید اگر دولت‌ها، دولتی را به‌عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه‌جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیت‌های متوسط و معمولی هم باشد، باز ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشت‌ها از نیت دولت‌ها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می‌کند (Walt, 1987: 25). در همین راستا، نیت دولت‌ها می‌تواند ناشی از ایدئولوژی باشد به طوری که فاصله ایدئولوژی بین نخبگان حاکم در تک قطب و نخبگان حاکم در سایر دولت‌ها اهمیت زیادی دارد چرا که دولت‌ها در برابر تک قطب با ایدئولوژی رقیب یا مخالف احتمالاً، راهبرد موازنه سخت را برمی‌گزینند (هنسن و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۹-۲۸).

بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولت‌ها از اهمیت برخوردار می‌باشد، درک آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آن‌ها مورد توجه نیست. به همین منوال دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آن‌ها بکنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

در جمع‌بندی نظریه استفن والت از موازنه تهدید می‌توان گفت:

- ۱) دولت در مقابل دولت‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدیدند؛ بنابراین، دولت یا دولت‌های تهدیدکننده لزوماً جزء قوی‌ترین دولت‌ها نیستند.
- ۲) تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد بلکه تصویری که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند مدنظر است.
- ۳) هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود و

- نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد.
- ۴) «تهدید» را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی‌های تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند.
- ۵) یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به‌وجود آمده به هنجارها تبدیل شود (جعفری، ۱۳۹۲: ۱۹).

۳- ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران دفاع مقدس

در سال‌های نخست انقلاب، عمده منابع قدرت، عمدتاً در خدمت ایدئولوژی و گسترش آن قرار گرفتند؛ درحالی‌که بسیاری از دولت‌ها منطقه، از ایدئولوژی در جهت خدمت به ناسیونالیسم بهره می‌بردند. ایدئولوژی اسلامی اساساً زمینه ائتلاف جمهوری اسلامی ایران را با جنبش‌های آزادی‌بخش و نیز کشورهای اسلامی فراهم آورد. به‌طورکلی، شرایط عمومی نظام سیاسی ایران به‌گونه‌ای بود که بسترهای لازم را برای ائتلاف در برابر تهدیدات جهان غرب ایجاد می‌کرد.

جنگ تحمیلی، فضای جدیدی از ائتلاف‌گرایی امنیتی ایران با نیروهای فراملی و جنبش‌های آزادی‌بخش را به‌وجود آورد. در شرایطی که دولت‌های منطقه‌ای و همچنین قدرت‌های بزرگ تمایل چندانی به همکاری‌گرایی امنیتی با ایران نداشتند، طبیعی بود که ایران به سوی کشورهای منطقه‌ای تمایل نشان نمی‌داد. اصول سیاست خارجی ایران، در این دوران، بر گسترش روابط با کشورهای جهان سوم، به‌ویژه با کشورهای مسلمان، مبتنی بود، اما این کشورها، آموزه‌های جدید ایران، مبنی بر امکان ادامه حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بدون اتکا به قدرت‌های بزرگ را ناپآورانه و با دیده حیرت می‌نگریستند. گرایش ایران در این مقطع زمانی را می‌توان براساس حمایت مؤثر از نیروهای انقلابی و آزادیخواه در کشورهای مختلف دانست. در چنین شرایطی، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی براساس «بازدارندگی مؤثر» شکل گرفته است. این‌گونه بازدارندگی، پیوند عمیق و مؤثری با «دفاع» و «مقاومت در برابر تجاوز» دارد. از این‌رو حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش و همچنین گروه‌های سیاسی رادیکال را باید اقدام مؤثری برای حداکثر سازی مقاومت در برابر تهدیدات غرب دانست (ترابی، ۱۳۸۵: ۴-۲).

قالب‌های گفتمانی جمهوری اسلامی ایران براساس شاخص‌های مقاومت شکل گرفته بود. در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی، هرگونه ائتلاف‌سازی، براساس شاخص‌های هویتی و ایدئولوژیک، سازماندهی شده بود. در این دوران، گفتمان ائتلاف‌محور، برای مقابله با شرایط اُبژگی مبتنی بر اقتدار قدرت‌های بزرگ و همچنین برخورداری از حق متفاوت بودن، سازماندهی گردید (Foucault, 1982: 81).

گفتمان ائتلاف محور مبتنی بر نشانه‌هایی از مقاومت‌گرایی بود. به همان گونه‌ای که فوکو از اصطلاح «سلطه» برای نمایش قدرت استفاده نمود، در ادبیات سیاسی و بین‌المللی ایران نیز واژه‌هایی همانند استکبار جهانی تولید گردید. در این شرایط، هرگونه مقاومت و ستیزش باید در مقابله با گفتمان مسلط قرار گیرد. ایدئولوژی انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی سیاست خارجی ایران زمینه مقابله با فضای گفتمانی مسلط ناشی از کنش قدرت‌های بزرگ را فراهم نمود.

استفان والت معتقد است که اساس تشکیل ائتلاف‌ها در سطح بین‌المللی، توازن تهدید (Balance of threat) است و نه توازن قدرت. دولت‌ها، در واکنش نسبت به تهدیدات، ائتلاف با یکدیگر را مدنظر قرار می‌دهند؛ تهدیداتی که شاید تماماً بر پایه قدرت دولت‌های متعارض استوار نباشند. به همین دلیل، والت اساس تهدیدات و در نتیجه اساس واکنش دولت‌های معطوف به برقراری توازن یا دنباله‌روی را بیشتر در امیال و مقاصد می‌بیند تا در قدرت محض (Walt, 1987: 5).

فرآیندهای سیاسی و امنیتی منطقه، و وضعیت خاصی را برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده بود که متعاقب آن این کشور برای هرگونه امنیت‌سازی می‌بایست به فعال‌سازی موازنه تهدید مبادرت نماید. این امر نشان می‌دهد که کشورها صرفاً در شرایطی می‌توانند امنیت خود را تأمین کنند که از قابلیت‌های لازم به‌منظور ایجاد موازنه تهدید با نیروهای تهاجمی برخوردار باشند. موازنه تهدید از طریق حداکثر سازی گستره ائتلاف انجام می‌گیرد که ایران در دوران دفاع مقدس توانست از این امر نهایت استفاده را ببرد.

۴- ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت

۴-۱- ائتلاف‌سازی

تحولات جاری در غرب آسیا از فراگیری تنش‌ها در این منطقه نشان دارد که بستر لازم را برای ائتلاف‌سازی‌های منطقه‌ای فراهم کرده است. ائتلاف و اتحادسازی یکی از مهم‌ترین راهبردهای حوزه سیاست خارجی است. نظریه ائتلاف‌سازی تحت تأثیر نظریه بازی‌ها بر این باور است که دولت‌ها صرفاً برای پیروزی (کسب فایده و امتیاز) اقدام به ایجاد اتحاد می‌نمایند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۲۲). در این وضعیت، شکل مطلوب توزیع منافع و امتیازات در داخل اتحاد به‌صورت کاملاً متفاوت است. در این صورت، خدمات هر یک از متعاهدان نسبت به دیگران، متناسب با منفعتی است که کسب می‌کنند. اتحاد کشورها با قدرت مساوی که در خدمت منافع یکسان آن‌هاست به

این کمال مطلوب نزدیک می‌شود (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۳۱۲).

لاو و اسپنسر، ائتلاف را در دو سطح تعریف می‌کنند. در سطح اول، ائتلاف‌سازی مربوط به نگرش و کنش مقامات سیاسی کشور است. آنان در مقاطع زمانی مختلف بر ضرورت همکاری و ائتلاف با سایر بازیگران تأکید داشته و می‌توانند فرآیندهایی را پیگیری کنند که منجر به تحرک سیاسی و تنوع در فرآیند کنش استراتژیک با شد. لازم به ذکر است که به هر میزان جلوه‌هایی از عمل‌گرایی در کنش نخبگان و در روند سیاست خارجی افزایش یابد، زمینه شکل‌گیری فرآیند مؤثرتری از همگرایی و ائتلاف حاصل خواهد شد. در سطح دوم نیز، ائتلاف‌گرایی مربوط به فرهنگ سیاسی و شاخص‌های جامعه شناختی مردم است. این امر به مفهوم آن است که می‌توان نشانه‌هایی از میل به همکاری را در فرهنگ سیاسی آن کشور مورد ملاحظه قرار داد (spencer & Lowe, 2006: 37).

براین اساس ائتلاف‌سازی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: ائتلاف‌سازی فرآیندی است که توافقی میان دو یا چند طرف برای حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل صورت می‌گیرد. در نظام بین‌الملل منظور از ائتلاف‌سازی، همبستگی و همکاری چند کشور مختلف برای نیل به یک یا چند هدف مشترک است. ائتلاف‌سازی بین‌المللی زمانی شکل می‌گیرد که چند کشور عمدتاً همفکر برای تحقق اهداف مورد نظر باهم به همکاری پردازند. کشورهای عضو ائتلاف ممکن است برای همکاری باهم یک موافقت‌نامه رسمی امضا کنند یا این‌که بدون وجود هرگونه توافق مکتوب در پی تحقق اهداف مورد نظر برآیند.

۲-۴- محور مقاومت

محور مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیکی منطقه‌ای، مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق و سوریه) و غیردولتی (حزب‌الله لبنان، انصارالله و حماس) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیکی دارند و تلاش می‌کنند با سیاست‌های مستقل و مقاومت محور خود در مجموعه امنیتی غرب آسیا نقش ایفاء کنند (رضاخواه، ۱۳۹۲: ۱). عدالت محوری، ظلم ناپذیری، دفاع از مظلوم و نقی سلطه کفار از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها، در این چارچوب می‌باشند. حفظ دین، حفظ امنیت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در فلسطین، دفاع از تمامیت ارضی، حفظ استقلال و حق تعیین سرنوشت و نیز جلوگیری از غارت منابع و ثروت در عراق، سوریه، لبنان، بحرین و یمن از جمله هدف‌های مشخص محور مقاومت است (وزیریان، گل‌محمدی و علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۱). تاکنون تفاوت‌ها و ویژگی‌های مذهبی-فرهنگی و سیاسی ایران

با همسایگانش مانع ائتلاف و همگرایی با آنها در منطقه خلیج فارس شده است. حمایت از آرمان فلسطین موجب مخالفت علنی ایران با رژیم صهیونیستی گشت و از این رو به دنبال متحد یا متحدانی در منطقه بود تا بتواند موقعیت خود را در منطقه تقویت نماید (ساجدی، ۱۳۹۲: ۱۳۸). تفاوت‌های دینی ملت‌های منطقه به لحاظ شیعه و سنی بودن، هویت‌های متمایزی را شکل داده است. همچنین تعلق و تعصب دینی، مرزهای هویتی‌ای را ایجاد نموده‌اند که سبب شکل‌گیری دو طیف از دولت‌ها گشته است. پیش از حمله آمریکا به عراق و البته بیداری اسلامی، موازنه قدرت به سود کشورهای عربی سنی مذهب بوده است اما اکنون شیعیان در منطقه توانسته‌اند موازنه قدرت را به سود خود تغییر دهند. گسترش فرهنگ شیعه در منطقه به لطف فرصت‌های پیش آمده در بستر تحولات منطقه و نیز روی کار آمدن یک دولت شیعه در عراق شرایطی را مهیا کرد تا ایران بتواند فرهنگ سیاسی تشیع را احیا نماید و با برقراری ارتباط تنگاتنگ میان نواحی مختلف این حوزه، یکپارچگی فرهنگی ایجاد کند؛ بنابراین، ایران باید برای بهره‌برداری حداکثری از فرصت‌های پیش آمده سیاست خارجی‌اش را سامان دهد (اشرف و قنبری، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۵). از این رو، گفتمان مقاومت دو بُعد دارد: بُعد سلبی و بُعد ایجابی. در مرکز بعد سلبی گفتمان مقاومت سلطه‌ستیزی قرار دارد و مهم‌ترین وجوه بُعد ایجابی گفتمان مقاومت عبارت‌اند از: عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، صلح‌طلبی، معنویت‌گرایی و مصلحت‌گرایی (محمودی رجا، ۱۳۹۷: ۱۶). از این رو ظرفیت ائتلاف‌سازی ایران در سیاست خارجی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که موقعیت ژئوپلیتیک شیعیان در کنار هم در نظر گرفته شود که در آن صورت از خلیج فارس تا دریای مدیترانه را در برمی‌گیرد.

۳-۴- قدرت کل ایران و ائتلاف‌سازی با محور مقاومت

بنا بر نظریه استفن والت هراندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولت‌ها برخوردار است. در اینجا منظور از منابع، جمعیت، قابلیت‌های نظامی و صنعتی و قدرت فناوری می‌باشد. در چنین و وضعیتی دولت‌هایی که دارای قدرت فراوان باشند ظرفیت آن را خواهند داشت که دشمنان خود را تنبیه کنند و به دو ستان خود پاداش دهند (Walt, 1987: 22-23). قدرت کل ایران در سال‌های اخیر به نحوی افزایش پیدا کرده است که «استفن والت» تصدیق می‌کند که هرچند ایالات متحده، ایران را جز دولت‌های سرکش به حساب می‌آورد اما ایران در طول ۲۵ سال گذشته قدرتمندتر شده است (Walt, 2018: 34). به‌طور مثال او یادآوری می‌کند که سوریه و ایران در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند تا کوشش‌های آمریکا در

غرب آسیا را با ناکامی روبرو سازند. همچنین به باور وی به دلیل رویکرد سازش‌ناپذیر ایالات متحده نسبت به برنامه هسته‌ای ایران، ایرانی که در سال ۲۰۰۰ هیچ سانتریفیوژی در اختیار نداشت در سال ۲۰۱۵ صاحب ۱۹ هزار سانتریفیوژ شد (Ibid: 67).

جمهوری اسلامی ایران و سوریه همواره در پوشش‌ها و تعاملات منطقه‌ای، سیاستی هم‌سو را پیگیری نموده‌اند. با اضافه شدن عراق پس از صدام، محور مقاومت، اقتدار منطقه را به دست گرفت و در تحولات بیداری اسلامی، ملت‌های شیعه یمن و بحرین خواستار دولتی اسلامی در چارچوب محور مقاومت شدند. آمریکا از سال ۱۹۷۳ تاکنون توانسته است کشورهای عربی به‌غیر از سوریه را به صلح و حل اختلافات با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن و نهایت تکمیل روابط، ترغیب نماید (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۲)؛ اما سوریه از مواضع ایران در مورد حزب‌الله در لبنان و جنبش‌های جهادی در فلسطین اشغالی، علیه رژیم صهیونیستی حمایت کرده و این مبارزات را به‌عنوان دفع تجاوز و دفاع و نه اقدامات تروریستی، تأیید نموده است. این کشور با میزبانی رهبران تبعیدی حماس و استقرار دفتر مرکزی این گروه و گروه‌های مبارز دیگر در دمشق، نقش مهمی در روند مقاومت اسلامی بازی می‌کند. حمایت از گروه‌های مبارز درگیر در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه، سبب شد خطوط و جبهه‌بندی نیروهای سیاسی در منطقه شفاف گردد (پورحسین، ۱۳۹۱: ۱۹).

سوریه همواره سعی نموده است تا بر اساس سیاست خارجی ضد رژیم صهیونیستی و ایدئولوژی ناسیونالیستی در حمایت از مقاومت ضد رژیم صهیونیستی نقش مهمی بازی کند و با اعمال فشار بر این نظام و ایجاد بحران‌های سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی آن را ناکارآمد و ضعیف سازد؛ بنابراین، یک رابطه استراتژیک میان جمهوری اسلامی و رژیم اسد وجود دارد که ایران را در به مخاطره انداختن امنیت رژیم صهیونیستی توانمند می‌سازد. البته وجود حزب‌الله که جمهوری اسلامی ایران آن را از طریق سوریه تجهیز کرده است ثابت می‌کند که ایران می‌تواند منافع امنیتی رژیم صهیونیستی را با خطر مواجه سازد (Rubin, 2012:1)؛ بنابراین نمود قدرت ایران را می‌توان در سوریه مشاهده کرد به‌طوری‌که در حال حاضر احتمال سقوط حکومت سوریه بسیار اندک است چراکه روسیه، ایران و حزب‌الله با کمک یکدیگر توانسته‌اند حکومت بشار اسد را در سوریه حفظ کنند (Mearsheimer, 2018: 157).

پس از فروپاشی حزب بعث و به دنبال آن خیزش‌های اسلامی در غرب آسیا، فضای جدید برای ایران جهت اعمال نفوذ بر شیعیان منطقه به‌وجود آمد و محور مقاومت شیعی شکل گرفت.

تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان و کردهای عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که باتوجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی سازد. این نظام سیاسی برخلاف رژیم بعث که گرایش به رویکردهای ضد ایرانی داشت و عمدتاً به عنوان بازیگری موازنه بخش در برابر ایران محسوب می‌شد، دربرگیرنده رهبران سیاسی است که به گسترش روابط سیاسی با جمهوری اسلامی ایران ملزم هستند (شهریاری، ۱۳۸۹: ۲۸۹). ۱۴ اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد که با سقوط صدام، نه تنها تهدید عراق را از بین ببرد بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه خلیج فارس منجر شود (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

در سطح بین‌المللی، تقویت عنصر شیعه در عراق جدید و تأثیرات آن بر سیاست بین‌الملل عراق، می‌تواند زمینه‌های فرصت سازی را در چارچوب تنظیم سیاست بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و حل معضلات استراتژیک این کشور در منطقه و با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا فراهم سازد. بی‌تردید بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه افزوده شده است. اهمیت نقش ایران در عراق جدید بر یک منطق ساده استوار است: ۱- حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است. ۲- ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی در جهت حفظ امنیت و ثبات است؛ بنابراین آمریکا برای حفظ امنیت در عراق به ایران نیاز دارد. این امر فرصت‌های گران‌بهایی را در اختیار ایران قرار می‌دهد که با کسب امتیازات جدید، زمینه‌های فرصت سازی در سیاست خارجی خود را افزایش دهد و به تعریف جدید از نقش خود در منطقه بپردازد (برزگر، ۱۳۸۵: ۱۶۵).

اهمیت ژئوپلیتیک یمن برای آمریکا و عربستان در بحث تنگه باب‌المندب، صدور نفت و ارتباط آن برای ایجاد ثبات و تعادل قدرت و حمایت‌های ایران از حوثی‌ها به بحران یمن دامن زده است. به‌زعم کشورهای عربی خصوصاً عربستان، تهدید ایران تنها شامل خطر ژئوپلیتیک نمی‌شود بلکه حمایت این کشور از شیعیان و روی کار آوردن دولت‌های شیعه در تقابل با گفتمان سلفی به‌عنوان تهدیدی ایدئولوژیک محسوب می‌شود. از طرف دیگر خطر افراط‌گرایی خشونت‌آمیز مذهبی و تأثیر کنشگران غیردولتی در حال رشد یکی دیگر از مجموعه‌های بزرگ تهدید را مطرح کرده و مبارزه با تروریسم و عملیات نظامی برای سرکوبی شورش، به‌طور فزاینده‌ای جنبه‌هایی از

توازن نظامی را مهم ساخته است (Cordesman, 2016: 5-6). از این رو، ر شد شیعیان یمن می تواند تهدیدی برای منافع نامشروع آمریکا و عربستان باشد؛ این وضعیت به طور بالقوه این امکان را به ایران می دهد تا نیروی هوایی و دریایی خود را در یمن به کار گیرد و عمق استراتژیک خود را افزایش دهد و از آزادی عمل بیشتری برای ضربه زدن به منافع عربستان و ایجاد توازن منطقه ای بهره برد چراکه یمن و جزایر آن نقش مهمی را در امنیت گلوگاه و آبراه جهانی در انتهای دریای سرخ به نام باب‌المنندب ایفا می کند (Rayan, 2015: 5-7).

۴-۴- مجاورت جغرافیایی و ائتلاف سازی در محور مقاومت

بر پایه نظریه موازنه تهدید، توانایی دولت ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می یابد در نتیجه دولت های نزدیک تر نسبت به دولت های دورتر تهدید آمیز ترند. اگر اندازه دیگر منابع دولت ها باهم برابر باشد در آن صورت احتمال اینکه دولت ها در واکنش به قدرت های نزدیک، به جای واکنش به قدرت های دور دست، دست به اتحاد بزنند بیشتر است. در اینجا هم مانند عامل قدرت کل، مجاورت جغرافیایی می تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولت ها شود (Walt, 1987: 23).

حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه غرب آسیا و مجاورت جغرافیایی آن با چالش ها و تهدیدات امنیتی مختلف در کشورهای هم سایه و هم جوار از قبیل عراق، افغانستان و کمی دورتر در سوریه، لبنان و سرزمین های اشغالی، لزوم آمادگی این کشور برای دفاع از امنیت ملی و منطقه ای خود در یک محیط منطقه ای بی ثبات را اجتناب ناپذیر کرده است. در حال حاضر کشورهای عراق و سوریه منبع اصلی گروه های تروریستی از قبیل داعش و القاعده و جبهه النصره می باشند و نزدیکی جغرافیایی این مناطق با جمهوری اسلامی ایران و تهدیدات بالقوه آن ها برای امنیت ملی و سرزمین ایران، نشان دهنده درستی یکی دیگر از شاخص های موازنه تهدید استغن والت در رابطه با درک تهدید توسط ایران نسبت به تحولات حادث شده در نزدیکی مرزهایش می باشد. در واقع جمهوری اسلامی ایران به دلیل نزدیکی جغرافیایی منبع اصلی تهدید به سرزمینش، لزوم حضور مستقیم و غیرمستقیم در بحران سوریه را احساس کرده و برای جلوگیری از سرایت این بحران به مرزهایش و همچنین جلوگیری از نابودی متحد خود یعنی بشار اسد در سوریه به ارائه انواع کمک های تسلیحاتی، لجستیکی، مادی و معنوی به رژیم حاکم بر سوریه پرداخته است. چراکه ظهور یک حکومت مخالف می تواند موقعیت ایران را در تقابل استراتژیک با رقبای منطقه ای اش تضعیف نماید (Nerguizan, 2013: 22-23).

اولین لایه راهبرد بازدارندگی برون‌مرزی در گستره‌ای طراحی شده که می‌توان از آن به‌عنوان خارج نزدیک ایران یاد کرد. باید توجه داشت که کشورها غالباً مناطقی را به‌عنوان خارج نزدیک معرفی می‌کنند. این اصطلاح ناظر بر راهبردی‌ترین سرزمین هم‌جوار یا گستره بلافصل فرامرزی است که در اولویت سیاست خارجی قرار دارد. خارج نزدیک کشورها، معمولاً شامل مناطقی است که به لحاظ جغرافیایی دغدغه‌های حیاتی درخصوص آن وجود داشته باشد. به‌واسطه این‌که این مسئله درخصوص نگاه ایران به عراق صدق می‌کند و خصوصاً این‌که اکثریت جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهد، ایران تمرکز جدی روی عراق دارد (فتحی، عیوضی و پیرانی، ۱۳۹۹: ۲۸۰). از سوی دیگر دولت مستقر در عراق، پیشران بسیار مهمی است که در تعدیل، تضعیف یا تقویت راهبرد برون‌مرزی ایران مفید/مضر خواهد بود. حفظ و تقویت نفوذ در عراق نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های منطقه‌ای ایران دارد (Moller and Byman, 2016: 14).

سوریه به ایران امکان می‌دهد که قدرت منطقه‌ای خود را از طریق شام عملی کند و دروازه‌ای به سوی حزب‌الله داشته باشد. سنگر سوریه، پشتوانه و قوام‌بخش لایه بازدارنده واقع در کرانه‌های دریای مدیترانه در برابر رژیم صهیونیستی است. در حقیقت کشور سوریه می‌تواند به‌عنوان یک منطقه حائل و یا سپر حفاظ برای سرزمین اصلی ایفای نقش کنند. از سوی دیگر نفوذ بیشتر ایران در سوریه، منجر به گسترش حوزه‌های نفوذ این کشور و وسعت یافتن جغرافیای درگیری با رقبایی نظیر عربستان و آمریکا خواهد شد و آن‌ها را از تنش آفرینی در مناطق پیرامونی ایران همچون عراق، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، آذربایجان در بلندمدت بر حذر خواهد داشت (Sadjadpour, 2018: 1). حمایت از دولت‌های عراق و سوریه از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی-امنیتی ایران در غرب آسیا است. ایران پس از چند دهه حمایت از این نظام‌ها نباید به‌راحتی آن‌ها را از دست بدهد. راهبرد ایران در مساعدت‌های مستشاری به ارتش عراق در قالب ارتقای تحرک بسیج مردمی «حشدالشعبی» با نقش بارز سردار سلیمانی با موفقیت همراه بوده است (نیاکویی و مردای کلارده، ۱۳۹۴: ۱۴۸).

یمن با موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصربه‌فرد و همچنین وجود جمعیت زیادی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد و تقویت جایگاه متحدان ایران در این کشور یک سرمایه استراتژیکی محسوب می‌شود. یمن کنترل بندرها، جزایر سوق‌الجیشی و تنگه راهبردی باب‌المنذب را در اختیار دارد که نقش مهمی در تجارت دریایی ایفا می‌کند. تسلط متحدان

منطقه‌ای ایران بر تنگه باب‌المندب یکی از مسائلی است که عمق استراتژیکی و سطح نفوذ ایران در منطقه غرب آسیا را ژرفا می‌بخشد (فتحی و جهان‌بین، ۱۳۹۸: ۲۱۲).

موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی لبنان و نقش و جایگاه تأثیرگذار آن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی و همچنین وجود حزب‌الله، جایگاه این کشور را برای ایران حیاتی ساخته است. لبنان غالباً صحنه رقابت و رویارویی قدرت‌های منطقه‌ای و برون منطقه‌ای بوده است. جبهه عبری، عربی و غربی به صورت پیوسته مخالفت خود را بانفوذ و حضور ایران در لبنان اعلام کرده‌اند؛ چراکه لبنان لایه سوم بازدارنده ایران در برابر رژیم صهیونیستی را تشکیل می‌دهد. حضور ایران در لبنان عملاً رژیم صهیونیستی را فاقد عمق استراتژیک ساخته است. با توجه به ارتباط زمینی عراق با منطقه شرق مدیترانه، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اتصال مطمئن زمینی با سوریه، لبنان و سرزمین‌های اشغالی فلسطین و گروه‌های هوادار ایران در منطقه ارتباط داشته باشد. افزون بر این، ایران با توسعه شبکه‌های انتقال انرژی به غرب از طریق خاک عراق-سوریه، می‌تواند از تنگناهای تنگه هرمز نیز رهایی یابد. ایران از طریق ائتلاف‌سازی در محور مقاومت و تحت شرایط جدید منطقه، توانسته است به گسترش قدرت منطقه‌ای و برهم زدن توازن قوای سستی مبادرت ورزد. اگر ایران از این ظرفیت استفاده کند قادر خواهد بود که شرایط و سیاست‌های خود را در جامعه بین‌الملل و به‌خصوص ایالات متحده آمریکا و عربستان در موضوعات حیاتی مانند امنیت جهانی انرژی، قیمت نفت و حتی درخصوص سیاست‌های هسته‌ای خود، تحمیل نماید.

۵-۴- قدرت تهاجمی و ائتلاف‌سازی در محور مقاومت

بنا بر باور استفن والت اگر اندازه دیگر منابع دولت‌ها باهم برابر باشد، احتمال زیادی وجود دارد که دولت‌های دارای قابلیت‌های تهاجمی بسیار به تشکیل اتحاد مبادرت ورزند. باید خاطر نشان ساخت گرچه قدرت تهاجمی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی در ارتباط است اما با آن‌ها یکسان نیست. در واقع قدرت تهاجمی دارای این قابلیت است که حاکمیت یا یکپارچگی سرزمینی دولت دیگر را تهدید کند. تهدید فوری ناشی از این قابلیت‌های تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولت‌ها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر، بدهد (Walt, 1987: 24).

در نیم‌قرن اخیر اتحادسازی‌ها از حالت بین دولتی خارج شده و با ظهور گروه‌های فراملی و فراملی ائتلاف‌های نوظهوری بین بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. در شرایطی که عمده تمرکز جبهه غربی بر اتحادسازی با کنشگران عربی و بعضاً ریز دولت‌های این منطقه

متمرکز است، ایران نیز با الگوی اتحاد و پیمان سازی با بازیگران نی-آبیتی و غیردولت-سی در مقیاس منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است. ایران با ترکیب توانایی‌های دفاعی و امنیتی در حوزه متعارف و غیرمتعارف استراتژی پیچیده‌ای را ارائه کرده است. توانایی متعارف ایران پیشتر متمرکز بر صنایع نظامی به‌منظور بازدارندگی و حمله متقابل علیه منابع تهدید است. از سوی دیگر ایران در حوزه نامتعارف سعی کرده تا قابلیت جنگ‌های نامتقارن و فرامرزی را تقویت و گسترش دهد. ماحصل تلاش‌ها در حوزه نامتعارف این بوده که اکنون از یک شبکه نفوذ مؤثر و باقابلیت عملیاتی سریع در گستره غرب آسیا بهره می‌گیرد (فتیحی و جهان‌بین، ۱۳۹۸: ۲۸۷). این مسئله یک مزیت استراتژیک به شمار می‌رود و ایران را در زمره پیشگامان موفق در طراحی و عملیاتی ساختن استراتژی شبیه‌سازی نیابیتی قرار داده است. حمایت و تقویت شبکه‌های متحد و نیابتی مقرون به‌صرفه‌ترین مسیر برای ایران جهت پیاده‌سازی و نیل به اهداف منطقه‌ای است.

شاید مهم‌ترین قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران در آنچه محور مقاومت نامیده می‌شود، نهفته باشد. علاوه بر حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی در نوار غزه و جنبش الحوثی در یمن، گروه‌های مقاومت در عراق از مهم‌ترین نیروهای نیابتی ایران در منطقه آسیای غربی هستند. این گروه‌ها شامل حشدالشعبی، کتائب حزب‌الله، حرکات النجباء، سازمان بدر، عصائب‌الحق، کتائب امام علی (علیه‌السلام)، کتائب سیدالشهدا و نیروهای ابوالفضل‌العباس، {تیپ فاطمیون و تیپ زینیون} باشند (IISS, November: 2019). در همین راستا مکس بوت، کارشناس شورای روابط خارجی آمریکا استدلال می‌کند که ایران به دنبال لبنانیزه کردن عراق است به‌گونه‌ای که این امکان را در تئوری فراهم می‌کند که یک حکومت غرب‌گرا حاکم شود اما قدرت واقعی توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت ایران، اعمال شود. در لبنان آن نیرو حزب‌الله و در عراق آن نیرو کتائب حزب‌الله و عصائب‌الحق هستند (Boot, 2020).

جمهوری اسلامی ایران در نوار غزه به‌منظور اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی قدرت تهاجمی را دنبال می‌کند. در میان گروه‌های فلسطینی، جنبش حماس به دلیل وجود اشتراکاتی همچون اعتقاد به التزام دین و سیاست، اعتقاد به قانون‌گذاری براساس شریعت اسلامی، نامشروع دانستن رژیم صهیونیستی و نگاه منفی به غرب بیش از سایرین در ارتباط با محور مقاومت بوده است (الحمد و برغوا، ۱۳۸۲: ۶۷-۶۲).

روابط جمهوری اسلامی ایران با حماس پس از پیروزی آن‌ها در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین و تشکیل دولت خودگردان به نخست‌وزیری اسماعیل هنیه وارد مرحله جدیدی شد و جمهوری اسلامی ایران حمایت‌های مالی، سیاسی و نظامی خود به این گروه را افزایش داد. اگرچه حمایت نیروی قدس از حماس بر سر تفاوت دیدگاه‌ها در جریان حوادث سوریه کاهش یافت، با این وجود به دلیل وجود دشمن مشترک به‌طور کامل قطع نشد. افزایش توان مو شکی حماس در سال‌های اخیر محصول این همکاری مشترک است. در این راستا شخصیت‌های ارشد حماس همچون «محمود الزهار» آشکارا اعلام کرده‌اند که نیروی قدس در ساخت مو شک‌های دوربرد و تحویل برخی موشک‌ها به آنان کمک مالی - تسلیحاتی کرده است. افزون بر حماس، برقراری روابط با برخی گروه‌های کوچک‌تر ساکن در نوار غزه همچون جهاد اسلامی فلسطین و جنبش تازه تأسیس «حرکت الصابرين» از دیگر تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران در این زمینه به شمار می‌رود (International Institute for strategic studies, 2019: 74).

عراق به علت داشتن مرز زمینی طولانی (حدود ۱۵۰۰ کیلومتر) مهم‌ترین اولویت و حلقه امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزها به شمار می‌رود. به همین دلیل، تضمین حکومت مرکزی، احساس عدم تهدید از جانب مرزهای غربی و مقابله با تهدیدهای ناشی از حضور آمریکا در عراق باعث شده تا جمهوری اسلامی ایران در قالب حمایت از گروه «حشدالشعبی»، نفوذ خود را در این کشور گسترش دهد. اهمیت حشدالشعبی ناشی از دو کار ویژه این گروه برای جمهوری اسلامی ایران بوده است: نخست استقرار نیروهای مقاومت در مناطق جغرافیایی مهم عراق همچون استان الانبار که امکان جابه‌جایی رزمندگان مقاومت و ارسال کمک‌های تسلیحاتی ارسالی از گذرگاه مرزی عراق - سوریه در این منطقه را فراهم می‌سازد. دوم، افزایش نفوذ سیاسی گروه‌های مقاومت در ساختار قدرت سیاسی عراق که موجب ارتقای عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان رهبر محور مقاومت می‌شود. حشدالشعبی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری برآورد شده که متشکل از چهار جریان هم‌پیمان ایران، کتائب حزب‌الله، سازمان بدر، عصائب اهل‌الحق و حزب‌الله نجبا هستند. قرار گرفتن فهرست ائتلاف به رهبری هادی عامری به‌عنوان جناح سیاسی حشدالشعبی در رده دوم ائتلاف‌های پیروز انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ نشان از تداوم نفوذ متحد جمهوری اسلامی ایران در ساختارهای سیاسی عراق دارد. پس از ترور شهید سلیمانی و ابو مهندس المهدي، جمهوری اسلامی ایران کوشیده تا از طریق گروه‌های مقاومت در عراق، آمریکا را به

چالش بکشاند. تصویب طرح خروج آمریکا در پارلمان عراق از سوی متحدان محلی جمهوری اسلامی ایران و حمایت نیروهای مقاومت از جمله کتائب حزب الله به پایگاه‌های آمریکایی از جمله کمپ «التاجی» در ۱۱ مارس ۲۰۲۰ از جمله اقدام‌های نیروهای متحد جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا به شمار می‌رود (وزیریان، گل محمدی و علیزاده، ۱۴۰۰: ۱۰۴).

وقوع جنگ فراگیر سوریه به دلیل نقش راهبردی-ژئوپلیتیکی این کشور در اتصال محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی و راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشت. از این رو، جمهوری اسلامی ایران تمام‌قد به پشتیبانی از دولت مستقر در سوریه پرداخت و به سازماندهی یک گروه ۱۰۰ هزار نفری با نهم «نیروی دفاع ملی» به رهبری «هلال اسد» به منظور مقابله با گروه‌های مسلح مخالف اقدام کرد. این گروه نقش مهمی در پاک‌سازی مناطق مختلف سوریه از تروریست‌های تکفیری داشت. تیب امام باقر (علیه‌السلام)، تیب ابوالفضل العباس (علیه‌السلام)، قوات الرضا، تیب سیده زینب (س)، تیب سیده رقیه (س) از مهم‌ترین گروه‌های شیعه سوری نزدیک به جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند. افزون بر نیروی دفاع ملی، شیعیان افغانی و پاکستانی وابسته جمهوری اسلامی ایران در دو تیب ۵۰۰۰ نفره نظامی فاطمیون و زینبیون درنبرد سوریه به مقابله با مخالفان مسلح بشار اسد پرداختند. اهمیت این گروه‌های مقاومت برای جمهوری اسلامی ایران ناشی از کارکرد سه‌گانه آن‌ها مبنی بر حفظ یک دولت متحد راهبردی در قدرت، ایجاد یک جبهه جدید علیه رژیم صهیونیستی در جنوب سوریه و جلوگیری از قطع حلقه ارتباطی محور مقاومت (تهران-بغداد-دمشق-بیروت) بوده است (The International Institute for Strategic Studies, 2019:96).

لبنان به علت ظرفیت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کریدور نفوذ ایدئولوژیکی-ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. از این رو، حزب الله لبنان در میان شبکه مقاومت بیشترین پیوندهای اعتقادی (ایدئولوژیکی) و راهبردی را با جمهوری اسلامی ایران دارد. حزب الله لبنان بعد از دستاوردهای میدانی قابل توجه در جنگ ۲۰۰۶ با رژیم صهیونیستی، نفوذ فزاینده‌ای در ساختار دولت و پارلمان لبنان پیدا کرده است. در سطح راهبردی، اهمیت حزب الله در نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران متأثر از دو کارکرد ویژه است؛ نخست افزایش ظرفیت بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و دوم عملکرد حزب الله لبنان به‌عنوان یک نیروی اعزامی ارتش مقاومت برای حضور در مناطق جنگی و آموزش سایر نیروها (Bergman&Hubbard, 2020).

نقش آفرینی فعال حزب‌الله در حفظ دولت بشار اسد و آموزش نیروهای مقاومت سوری باعث شده که حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مدیریت راهبردی محور مقاومت در سوریه را به سیدحسن نصرالله احاله کند. این گروه ۴۵ هزارنفره به بازوی عملیاتی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شامات و شرق مدیترانه تبدیل شده و نقش کلیدی در سیاست موازنه سازی جمهوری اسلامی ایران در برابر محورهای رقیب بازی می‌کند. همچنین نفوذ شاخه نظامی حزب‌الله به واسطه مشارکت در درگیری‌های غرب آسیا از جمله سوریه و یمن و افزایش قدرت بازدارندگی آن‌ها به واسطه افزایش توان موشکی پهپادی در سال‌های اخیر گسترش یافته است (Humud, 2018).

در یمن گروه انصارالله مشهور به «حوثی‌ها» احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۱ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی یمن را در اختیار بگیرند. این گروه ۲۰ هزار نفره برای جمهوری اسلامی ایران به سه دلیل مزیت راهبردی دارد: نخست به دلیل موقعیت راهبردی تنگه باب‌المندب که تسلط حوثی‌ها بر این تنگه به‌عنوان رگ کشتیرانی در کانال سوئز و همچنین بندر الحدیده، حاکمیت متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را تقویت کرده است. امری که به تهران اجازه می‌دهد در صورت لزوم با ایجاد تهدیدهای ناهم‌تراز به هرگونه تهدید آمریکا پاسخ دهد. دوم، انصارالله بازوی عملیاتی سیاست بازدارندگی و موازنه سازی جمهوری اسلامی ایران در مقابل محور عربستان سعودی است. سوم، انصارالله ظرفیت بالقوه‌ای برای افزایش عمق‌بخشی گفت‌وگو با مقاومت در شبه‌جزیره عربستان به واسطه وجود شیعیان به‌ویژه در استان‌های شرقی عربستان سعودی دارد (Knights, 2018: 17-18).

۶-۴- نیت تهاجمی و ائتلاف‌سازی در محور مقاومت

بنا بر نظریه موازنه تهدید اگر دولت‌ها، دولتی را به‌عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه‌جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. در این صورت حتی اگر دولتی دارای قابلیت‌های متوسط و معمولی هم باشد، باز ممکن است که دیگران را به موازنه علیه خودش تحریک کند. در واقع برداشت‌ها از نیت دولت‌ها نقشی مهم در انتخاب اتحادها ایفا می‌کند (Walt, 1987: 25)؛ بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور وی آنچه در روابط میان دولت‌ها از اهمیت برخوردار است، درک آن‌ها از یکدیگر به‌عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آن‌ها مورد توجه نیست. به

همین منوال دولت‌ها در برابر دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری را متوجه موجودیت یا منافع آن‌ها کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

باتوجه به حضور آمریکا در افغانستان و سپس در عراق و همچنین دخالت این کشور در سوریه، جمهوری اسلامی ایران، آمریکا را یک دولت ستیزه‌جو در نظر می‌گیرد و با اقدامات خود به موازنه سازی مبادرت کرده است. درک این تهدید همراه با سیاست خارجی تهاجمی نومحافظه کاران در کاخ سفید و بیان آشکار سیاست تغییر رژیم در ایران و پروژه غرب آسیا جدید بود. مقامات ایران نه تنها نگران بودند، بلکه بعدها در خلال امضا توافقنامه امنیتی آمریکا با عراق در سال ۲۰۰۸، درخصوص حضور نظامی آمریکا در عراق، ملاحظات جدی داشتند. از این رو حضور آمریکا در عراق همه مؤلفه‌های تهدید از جمله نیت تجاوزکارانه نسبت به ایران را دارا بود. به علاوه مقامات ایرانی برداشتی تهدیدآمیز از تهاجم آمریکا به عراق و حضور گسترده نظامی در این کشور داشتند. این احساس تهدید باعث شد که ایران از طریق نفوذ و حضور گسترده خود در سطح سیاست داخلی عراق و کاربست ابزارهای مختلف در پی ایجاد توازن با آمریکا و کاهش نفوذ و نقش آن در این کشور باشد.

اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه سبب شده تا ایران به مقابله با نیت تهاجمی آمریکا بپردازد. جمهوری اسلامی ایران و سوریه دیدگاه‌ها و منافع مشترکی دارند. هر دو کشور به دلیل موقعیت‌های ژئوپلیتیکی مناسب و واقع شدن در مناطق راهبردی غرب آسیا، عمق استراتژیکی یکدیگر محسوب می‌شوند. دو کشور علاوه بر منافع ملی مشترک دارای اشتراکات دینی، مذهبی و اسلامی قابل توجهی اند (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۹۸). ظهور و گسترش ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم تغییر قواعد بازی راهبردی و امنیتی سنی، در منطقه غرب آسیا است. واضح است که شکل‌گیری هر نوع موازنه جدید منبعث از ژئوپلیتیک شیعه بر نوع رفتار و مناسبات کشورهای منطقه و الگوی دوستی و دشمنی دولت‌ها اثر جدی می‌گذارد (توال، ۱۳۸۴: ۱۳۷). از این رو اشاعه ارزش‌ها و گسترش ایدئولوژی ایران در منطقه منجر به گسترش عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا و جهان اسلام می‌شود. از دید دول مخالف در حال حاضر تحول در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه غرب آسیا شکل گرفته و ایران تلاش دارد با بهره‌گیری از هلاش شیعی بر قدرت خود بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و رژیم صهیونیستی به کار گیرد (توتی و دوست محمدی، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

نیات تهاجمی آمریکا در قبال یمن سبب شده تا ایران برای حفظ و تقویت محور مقاومت، از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود استفاده نماید؛ زیرا آمریکایی‌ها به بهانه مبارزه با القاعده و تروریست‌ها در حال سرکوب جنبش شیعیان در این کشور، دامن زدن به اختلافات مذهبی مسلمانان و تقویت افراطی‌گری در میان اعضای القاعده یمن می‌باشند. به هر صورت یمن کشور استراتژیکی است و راه دسترسی به آسیا و غرب آسیا برای آمریکایی‌هاست. علاوه بر آن، می‌تواند ایالات متحده را در کمک‌رسانی به متحدان اصلی‌اش در منطقه همچون عربستان و رژیم صهیونیستی و ضد کشورهای همچون ایران و عراق یاری کند؛ به همین جهت است که نوعی همراهی و منافع مشترک برای القاعده و غرب در یمن جهت مقابله با قدرت‌یابی شیعیان در این کشور مشاهده می‌شود. (Nazemroaya, 2015: 5).

پیشروی‌های معترضان یمنی به رهبری شیعیان حوثی و جنبش انصارالله، بار دیگر پیروزی «گفتمان مقاومت» را در منطقه اثبات کرد، به‌ویژه آنکه نمونه مشابهی از جنبش حزب‌الله لبنان بوده و مقاومت لبنان بخشی از ساختار سیاسی این کشور است و در جهت ثبات سرزمینی و سیاسی در لبنان حرکت می‌کند. از این منظر، شیعیان حوثی نیز تمامیت‌خواه نبوده و خواستار مشارکت دموکراتیک در حکومت هستند، به‌ویژه که شمار شافعی‌های یمن از شیعیان زیدی فزون‌تر است؛ بنابراین، شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک که خواسته اصلی انقلابیون یمن باشد، در جهت منافع منطقه‌ای ایران است و می‌تواند منافع مشترک را تقویت کند. در نتیجه، ایران می‌تواند باتدبیر مناسب و به کار گرفتن یک سیاست خارجی پویا، از این سرمایه اجتماعی ایجاد شده در جنوب خلیج فارس به شکل بهینه استفاده کند، هرچند در شرایط کنونی نیز نفوذ ایران در مقایسه با دیگر قدرت‌های بین‌المللی مقتدرانه تر است (نجات، موسوی و صارمی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

نتیجه‌گیری

گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر پایه اصول و مبانی‌ای بنا شده است که راهنمای رفتار و کنش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در نیم‌قرن اخیر اتحادسازی‌ها از حالت بین دولتی خارج شده و با ظهور گروه‌های فراملی و فراملی ائتلاف‌های نوظهوری بین بازیگران دولتی و غیردولتی شکل گرفته است. در شرایطی که عمده تمرکز جبهه غربی بر اتحادسازی با کنشگران عربی و بعضاً ریز دولت‌های این منطقه متمرکز است، ایران نیز با الگوی اتحاد و پیمان سازی با بازیگران نیابتی و غیردولتی در مقیاس منطقه‌ای را در دستور کار قرار داده است.

بر پایه نظریه موازنه تهدید استغن‌والت، دولت‌ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند. به باور «والت» تهدیدات دولت‌ها نسبت به یکدیگر از چهار منبع نشأت می‌گیرد: ۱. قدرت کل، ۲. مجاورت جغرافیایی، ۳. قدرت تهاجمی و ۴. نیت تهاجمی.

اصول سیاست خارجی ایران، در دوران دفاع مقدس، بر گسترش روابط با کشورهای جهان سوم، به‌ویژه با کشورهای مسلمان، مبتنی بود. در چنین شرایطی، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی بر اساس «بازدارندگی مؤثر» شکل گرفته است. این‌گونه بازدارندگی، پیوند عمیق و مؤثری با «دفاع» و «مقاومت در برابر تجاوز» دارد. از این‌رو حمایت ایران از جنبش‌های آزادی‌بخش و همچنین گروه‌های سیاسی رادیکال را باید اقدام مؤثری برای حداکثر سازی مقاومت در برابر تهدیدات غرب دانست.

ایران در چارچوب قدرت کل و به همراه سوریه در سال‌های اخیر تلاش کرده است تا کوشش‌های آمریکا در غرب آسیا را با ناکامی روبرو سازند. همچنین تغییر رژیم و به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و کاهش قدرت اعراب سنی، باعث شد تا نظام سیاسی جدیدی در عراق پدیدار شود که با توجه به سیاست خارجی متفاوت آن از رژیم سابق، معادلات استراتژیک و توازن قدرت در منطقه را وارد مرحله جدیدی سازد. در یمن نیز رشد شیعیان یمن تهدیدی برای منافع نامشروع آمریکا و عربستان است و این وضعیت به‌طور بالقوه این امکان را به ایران می‌دهد تا نیروی هوایی و دریایی خود را در یمن به کار گیرد و با افزایش عمق استراتژیک خود، از آزادی عمل بیشتری برای ضربه زدن به منافع عربستان و ایجاد توازن منطقه‌ای بهره‌برد.

در چارچوب مجاورت جغرافیایی حمایت از دولت‌های عراق و سوریه از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکرد سیاسی - امنیتی ایران در غرب آسیا است. یمن نیز با موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منحصربه‌فرد و همچنین وجود جمعیت زیادی در این کشور اهمیت ویژه‌ای برای ایران دارد.

موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی لبنان و نقش و جایگاه تأثیرگذار آن در منازعه فلسطین و رژیم صهیونیستی و همچنین وجود حزب‌الله، جایگاه این کشور را برای ایران حیاتی ساخته است. در چارچوب قدرت تهاجمی، جمهوری اسلامی ایران در نوار غزه به‌منظور اعمال بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی است. در میان گروه‌های فلسطینی، جنبش حماس به دلیل وجود اشتراکات مختلف با ایران، بیش از سایرین در ارتباط با محور مقاومت بوده است. عراق مهم‌ترین اولویت و حلقه امنیتی ایران در خارج از مرزها به شمار می‌رود. ایران به دلیل احساس عدم تهدید از جانب مرزهای غربی و مقابله با تهدیدهای ناشی از حضور آمریکا در عراق از طریق حمایت از گروه «حشدالشعبی»، نفوذ خود را در این کشور گسترش دهد. وقوع جنگ فراگیر سوریه به دلیل نقش راهبردی-ژئوپلیتیکی این کشور در اتصال محور مقاومت، ارتباط مستقیمی با امنیت ملی و راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشت. لبنان نیز به علت ظرفیت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی و احیای کریدور نفوذ ایدئولوژیکی-ژئوپلیتیکی در شرق مدیترانه برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت دارد. در یمن گروه انصارالله مشهور به «حوثی‌ها» احیاگر شیعه زیدی بوده و با کمک و همراهی سپاه قدس و حزب‌الله لبنان در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۴ از نظر سیاسی و نظامی سازماندهی شده و توانستند بیشتر مناطق شمالی یمن را در اختیار بگیرند.

در چارچوب نیت تهاجمی، جمهوری اسلامی، آمریکا را به دلیل حضور در افغانستان و عراق و همچنین دخالت در سوریه، یک دولت ستیزه‌جو در نظر می‌گیرد و بر این اساس به موازنه سازی مبادرت کرده است. اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه سبب شده تا ایران به مقابله با نیت تهاجمی آمریکا پردازد و در این خصوص، جمهوری اسلامی ایران و سوریه دیدگاه‌ها و منافع مشترکی دارند. نیت تهاجمی آمریکا در قبال یمن سبب شده تا ایران برای حفظ و تقویت محور مقاومت، از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود استفاده نماید؛ زیرا آمریکایی‌ها به بهانه مبارزه با القاعده و تروریست‌ها در حال سرکوب جنبش شیعیان در این کشور، دامن زدن به اختلافات مذهبی مسلمانان و تقویت افراطی‌گری در میان اعضای القاعده یمن می‌باشند.

پیشنهادها

- ۱- همکاری تجاری و اقتصادی و مناسبات فنی و کارکردی با کشورهای منطقه به‌ویژه محور مقاومت.
- ۲- تکیه بر اشتراکات ایدئولوژیکی و فرهنگی به‌ویژه هویت اسلامی مشترک.
- ۳- تکیه بر امکانات و ظرفیت‌های درون منطقه‌ای به‌جای اتکا به قدرت‌های خارجی.
- ۴- شناسایی تهدیدهای ناشی از ائتلاف‌های پنهان و آشکار غربی - عربی - عبری.
- ۵- شناسایی و حل مشکلات در همکاری‌های سازمانی و تجاری.
- ۶- حل تعارضات سیاسی و ایدئولوژیکی بین کشورهای منطقه.

منابع

- اشرف نظری، علی و قنبری، لقمان (۱۳۹۲). خاص‌گرایی فرهنگی و بازتولید هویت‌های دینی: با تأکید بر جنبش بیداری اسلامی، مطالعات جهان اسلام، ۱(۳)، ۱۲۳-۱۵۰.
- باقری دولت آبادی، علی (۱۴۰۰). انقلاب اسلامی و مکتب‌سازی: نمونه موردی مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۲۷-۵۰.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۵). تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه منازعات جمهوری اسلامی ایران و آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، راهبرد، ۱۴(۳۹)، ۱۷۰-۲۴۵.
- توال، فرانسوا (۱۳۸۴). ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه کتابیون باصر، تهران: ویستار.
- توتی، حسینعلی و دوست‌محمدی، احمد (۱۳۹۲). تحولات انقلابی بحرین و بررسی راهبردهای سیاست خارجی ایران در قبال آن، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۳)، ۲۰۹-۲۲۶.
- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). استراتژی موازنه تهدید و امنیت دولت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۲(۷)، ۱۱-۳۴.
- حسینی پناه، رمضان؛ جوان آراسته، حسین و ابراهیمیان، حجت‌الله (۱۴۰۰). آمادگی دفاعی با رویکرد اصل ۱۵۱ قانون اساسی با تأکید بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۱۷۳-۱۹۶.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۳). بازتاب مفهومی و نظری انقلاب اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریعی، حسین؛ محمودزاده بالوند، رسول و زارعی دارامرودی، هوشمند (۱۴۰۰). جایگاه شیعیان یمن در روابط ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (۱۴۰۰-۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۳)، ۲۲۵-۲۵۷.
- روشن چشم، حامد و دشتی، محمدحسین (۱۴۰۰). شیفت از ساختار سنتی به ساختار پست مدرن در جامعه ایران و تاثیر آن بر تحول توسعه سیاسی و رویکرد روابط بین‌الملل پس از انقلاب. جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۷۵-۱۰۳.
- ریاضی، وحید (۱۴۰۰). مکتب سلیمانی؛ پیشران زمینه‌ساز ظهور. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۹-۲۶.
- ساعی، احمد و علیخانی، مهدی (۱۳۹۲). بررسی چرخه تعارض در جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۲، علوم سیاسی، ۹(۲۲)، ۱۰۳-۱۲۹.
- شهریاری، محمدعلی (۱۳۸۹). تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در عراق در قالب تئوری حرکت‌ها، مجلس و راهبرد، ۲۴(۹۲)، ۲۷۹-۳۱۰.

- فتحی، محمدجواد و جهان‌بین، فرزاد (۱۳۹۸). تبیین بحران ژئوپلیتیکی یمن: عوامل و بازیگران، سیاست جهانی، ۲۲۸-۱۹۳، (۲۷)۸.
- کبیری، ابوالحسن (۱۳۹۹). سیاست خارجی برگرفته از منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تأثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران. مطالعات دفاع مقدس، ۶(۴)، ۷۵-۵۵.
- کتاب سبز (۱۳۸۷). سوریه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- محمودی رجا، سیدزکریا (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی، مطالعات بیداری اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۸-۷.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
- مطلبی، مسعود (۱۴۰۰). دیپلماسی دفاعی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی؛ اهداف، راهبرد و الزامات. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۲)، ۹۸-۷۵.
- نجات، سیدعلی؛ موسوی، سیده راضیه و صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵). راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۳)، ۱۳۷-۱۷۹.
- نجف زاده، فاطمه؛ حیدرپور، ماشاءالله و ترابی، محمد (۱۴۰۰). نقش جبهه مقاومت اسلامی در سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم‌های یک جانبه آمریکا. مطالعات دفاع مقدس، ۷(۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
- نرمانی، حسن؛ زارعی، غفار و روان بد، امین (۱۴۰۰). نقد تمدن نوین غرب از منظر گفتمان انقلاب اسلامی با تأکید بر آراء حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۲۸-۹.
- نیاکونی، سیدامیر، مهدی و مرادی کلارده، سجاد (۱۳۹۳). مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری: تحلیلی چند سطحی، آفاق امنیت، ۷(۲۳)، ۲۲۹-۲۵۶.
- وزیریان، امیرحسین؛ گل محمدی، ولی و علیزاده، علی (۱۴۰۰). ارزیابی نقش محور مقاومت در بازدارندگی ناهم‌تراز ج.ا.ا. در برابر سیاست مهار آمریکا، راهبرد دفاعی، ۱۹(۷۴)، ۸۷-۱۱۴.
- هنسن، برت، تافت، پتر، ویول، آندره (۱۳۹۰). راهبردهای امنیت ملی و نظم جهانی آمریکایی «قدرت از دست‌رفته»، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- Boot, Max (2020). Iran-Backed Militias in Iraq poised to Expand Influence, council of foreign policy, October 13. Available: www.cfr.org
- Cordeman, Anthony (2016). The Changing Gulf Balance and The Iranian Threat, Center for Strategic&International Studies
- Hubbard, B & Bergman, R (2020). Warning Shots: Israel Spares Hezbollah Fighters to Avert a War, The New York Times, April 22, 2020. Available at: <https://www.nytimes.com/2020/04/22/world/middleeast/israel-hezbollah-knock-onroof.html>
- Humud, C (2018). Lebanese Hezbollah, Congress Research Service Report, June 22, 2018. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF10703>

- IISS (2019). The international institution for strategic studies(IISS) November, available: www.iiss.org
- James P.Rubin (2012). The real reason to intervene in Syria, foreign policy.com. 2012/06/04
- Knights, M (2018). The Houthi War Machine: From Guerrilla War to State Capture,” CTC Sentinel, Volume 11, Issue 8
- Mearsheimer, John (2018). Great Delusion: Liberal Dreams and International Realities, New York: Yale University Press.
- Michel Foucault (1982). The Subject and Power, Brigton, Harvest.
- Nazemroya, Mahdi Darius (2015). “The Geopolitics Behind the War in Yemen”. available at: www.strategic-culture.org/news.
- Nerguizian, Aram (2013). U.S and Iranian strategic copmpetition, CSIS, March.
- Rayan, Patrick W (2015). the Yemen Crisis and the Bab El-Mandeb Maritime Chokepoint, April 14, 2015. Available at the <http://susris.com>
- sadjadpour, karim (2018). iran’s unwavering support to assad’s syria, combating terrorism center, syria special issue, volume 6, issue 8.
- Stephan M. Walt (1987). The Origins of Alliances, Ithaca, NY and London, Cornell University Press.
- Walt, Stephen (1987). the Origins of Alliances, New York: Cornell University.
- Walt, Stephen (2018). the Hell of Good Intentions: America's Foreign Policy Elite and the Decline of U.S. Primacy, New York: Farrar, Straus and Giroux.